

ریچارد سوم به ترجمه رضا براهنی

محمد فروزانی



بعد از هملت، ریچارد سوم دومین اثر بلند شکسپیر و از پرشخصیت‌ترین نمایشنامه‌های اوست. این نمایشنامه روایت قدرت گرفتن ماکیاولی‌گونه ریچارد دوک گلاستر، و به پادشاهی رسیدن او با عنوان ریچارد سوم است. ریچارد سوم اولین بار در ۱۳۴۲ به قلم رضا براهنی به فارسی ترجمه شد، و پس از آن دو ترجمه از آن به قلم ادیب‌سلطانی (۱۳۷۹) و عبدالله کوثری (۱۳۹۷) به بازار آمده است. تا قبل از ترجمه براهنی، نه نمایشنامه شکسپیر از ۱۲۷۸ تا ۱۳۳۹ به فارسی ترجمه شده بودند و الگوهای مختلفی برای مقابله با چالش‌های ترجمه شکسپیر به‌جا گذاشته بودند. در ترجمه براهنی که فردی سخن‌شناس و ادیب است

آنچه تحیرآمیز است خطاهای ایشان در ترجمه برخی کلمات و ترکیبات و اصطلاحات است که به ترجمه‌هایی نادرست و ناسازگار با متن انجامیده. به مواردی از این خطاها توجه کنید:

۱. در صفحه ۲۵ متن فارسی، گلاستر (ریچارد) می‌گوید: «جلوتر از اسب خود به بازار می‌روم» که ترجمه لغت به لغت *But yet I run before my horse to the market* است. عبارت فوق اصطلاح است و معنی آن *to speak too soon* می‌باشد، یعنی من دارم خیلی زودتر از وقوع آرزوهایم صحبت می‌کنم (و آن‌هم ازدواج با دختر کوچک «وریک» و رسیدن به سلطنت است) چرا که بعدتر می‌گوید «زیرا هنوز کلرنس و ادوارد زنده هستند.» اصطلاح فوق را عبدالله کوثری به اصطلاح دیگری ترجمه کرده است: «چنان است که آستر نخریده، آخورش ببندم.»

۲. در صفحه ۳۱، خانم آن به ریچارد می گوید «به من حق می دهی بی شرف.» مشخص نیست چرا مترجم کلمه hedgehog را که به معنی خارپشت است «بی شرف» ترجمه کرده است. به نظر می رسد با توجه به اینکه خارپشت در هنگام دفاع، به شکل توپ در می آید و موهای نرم خود را به تیغ تبدیل می کند، واژه خارپشت تناسب بیشتری با شخصیت ریچارد و گوژپشت بودنش دارد، کما اینکه عبدالله کوثری چنین ترجمه کرده است: «سخنم را می پذیری ای خارپشت بدهیت؟»

۳. در صفحه ۵۰، ملکه مارگارت، ریچارد را «خوکِ زمین کن» می خواند که معادل عبارت انگلیسی rooting hog است. با توجه به اینکه معادل کلمه خوک pig است و معمولاً hog برای گراز و یا خنازیری که وزنشان بیش از ۱۲۰ پوند باشد به کار می رود، و نیز از آنجا که گرازها برای پیدا کردن غذا در زیر خاک، با پوزه و استفاده از دماغشان زمین را می کنند، این عبارت برای ریچارد و رهبرانی مشابه او بسیار مناسب است. علاوه بر اینکه گراز نشان خانوادگی ریچارد است. عبدالله کوثری این عبارت را چنین ترجمه کرده است: «ای پوزه تو تفت هر کشتزار.» در همین پاراگراف دو خط زیر اصلاً ترجمه نشده است:

Thou slander of thy heavy mother's womb,
Thou loathed issue of thy father's loins,

عبدالله کوثری این دو خط را چنین ترجمه کرده است:

تو که زهدان سنگین مادرت را به نکبت و دشنام آلودی
و ای تو که نطفه ملعون برچکیده از اندام پدر بودی.

۴. در صفحه ۷۹، در اواخر صفحه، دوشس، بعد از صحبت پسر، می گوید: «آه آن فریب می تواند ... با لبه کلاه، فکر پلیدی را پنهان کند.» جمله اصلی در متن انگلیسی این است:

And with a virtuous visor hide deep vice

درست است که یکی از معنای visor لبه کلاه، و معانی دیگر آن سایبان، آفتاب گردان، پوشش آهنی کلاهخود است که صورت را می پوشاند، اما یکی از معنای این کلمه در انگلیسی که در فرهنگ لغت به عنوان معنی ادبی و آرکائیک ذکر شده، ماسک (یا پوششی) است که برای تغییر یا پنهان کردن چهره به کار می رود. بنابراین virtuous visor پوششی مقدس مآبانه و deep vice رذیلتی عمیق می باشند. ترجمه عبدالله کوثری به صورت زیر است: «و پشت حجاب تقوا شرارتی بی حساب را پنهان بدارد.»

۵. در صفحه ۸۰، دومین باری که نام ملکه الیزابت ذکر می شود، دو خط مانده به پایان

پاراگراف، مترجم از زبان ملکه الیزابت می‌گوید «... و یا چون پیروان مطیع به دنبال او به‌سوی قلمرو جدید آرامش جاودانی راه بیفتند» که ترجمه جمله زیر است:

Or, like obedient subjects, follow him
To his new kingdom of ne'er-changing night.

ne'er-changing night به تاریکی حاکم در قلمروی جدید پادشاه ادوارد که در گذشته اشاره دارد. قلمروی مرگ که در آنجا شب پایدار است، یا روز نمی‌شود و یا شب بی‌پایان است. تعبیر «شب بی‌پایان» شاید از عبارت «آرامش جاودانی» مناسب‌تر باشد چون از طرفی گویای ظلمت ابدی قبر و از طرف دیگر بیانگر احوال ملکه مصیبت‌زده و مضطر است درحالی‌که عبارت «آرامش جاودانی»، علی‌رغم کاربرد عمومی آن برای متوفی، خالی از چنین اشارات ضمنی است. عبدالله کوثری هم از صفت جاودانه استفاده کرده که برخلاف روح متن دارای معنی ضمنی مثبت است: «آه، چون رعایایی مطیع از پی‌اش برویم/ تا قلمروی تازه‌اش که شبی جاودانه است.»

۶. در ادامه مطلب بالا، بعد از صحبت ملکه، دوشس (مادر ادوارد) به ملکه می‌گوید:

Ah, so much interest have I in thy sorrow
As I had title in thy noble husband.

مترجم، کلمه title را به اشتباه little خوانده و متن به شکل زیر ترجمه شده است:

«آه، همان قدر که به شوهر نجیب تو علاقه کم داشتم، در اندوه تو سهیم هستم.»
ترجمه کوثری: آه، به‌راستی که مرا نیز در این سوگ به‌قدر تو سهمی است/ که من نیز بر شوی شریف تو حقی داشتم.

۷. در صفحه ۸۳، دوشس می‌گوید «خداوند تو را عفو کند و فروتنی، عشق ... در مغز تو جای دهد.» متن انگلیسی این است:

God bless thee, and put meekness in thy breast,
Love, charity, obedience, and true duty.

در اینجا مترجم برای کلمه breast که بیشتر به قلب نزدیک است، از کلمه «مغز» استفاده کرده است، حال آنکه منظور این است که خداوند قلبت را از عشق و فروتنی و ... آکنده کند. عبدالله کوثری نیز به‌جای فروتنی نوشته است: «اندک بردباری.»

ترجمه کوثری: خداوند بر تو رحمت آرد و اندک بردباری در دلت جای دهد، نیز عشق و نیکخواهی و فرمانبری و وظیفه‌شناسی.

۸. در صفحه ۹۳، دوشس چنین می گوید:

And being seated, and domestic broils
clean overblown, themselves the conquerors
make war upon themselves, brothers to brother,
blood to blood, self against self.

ترجمهٔ براهنی: «... یعنی فاتحان، علیه یکدیگر می جنگند. خون در برابر خون و انسان در برابر انسان» با توجه به اینکه منظور دوشس از فاتحان، همان طور که در سطر بالاتر صراحتاً بیان می کند، پسرانش است، دلیلی وجود ندارد که عبارت برادر علیه برادر جای خود را به انسان در برابر انسان بدهد. و اگر عبارت «انسان در برابر انسان» ترجمهٔ self against self باشد، به چه دلیل «برادر علیه برادر» حذف شده است؟ با توجه به اینکه یکی از معانی blood خویشاوند و خانواده (یعنی ارتباطات خونی) است، ترجمهٔ زیر پیشنهاد می شود: «... فاتحان علیه یکدیگر می جنگند؛ برادر علیه برادر، خویشاوند مقابل خویشاوند و خودی بر ضد خودی.»

ترجمهٔ کوثری: و چون بر اریکهٔ قدرت نشستند، و آشوب خانگی جمله فرو نشست. حالیا فاتحان در میان خود ستیز آورده اند / برادر با برادر، خون با خون، خویش با خویش.

۹. در صفحه ۱۰۲، باکینگم (پیش خود) از هوش و ذکاوت لُرد یورک این گونه تعریف می کند:

باکینگم: او با چه هوشیاری تیزبینانه ای دلیل می آورد
تا تحقیری را که متوجه عمویش می کند تخفیف بدهد.
او به طرزی زیبا و ماهرانه خودش را لکه دار می کند.

BUCKINGHAM, aside

With what a sharp-provided wit he reasons!
To mitigate the scorn he gives his uncle,
He prettily and aptly taunts himself.

تعبیر «لکه دار کردن» اگرچه از مقصود نویسنده که همان خودزنی باشد دور نیست، ولی تعبیر متعارفی نیست. این تعبیر در ترجمهٔ کوثری هم دقیق و هم به بیان فارسی آمده است:

باکینگم: (با خود) چه زبان گزنده ای دارد به حاضر جوابی.
عمویش را تحقیر می کند و آنگاه، تا از تندی آن بکاهد
خود را نیز زیرکانه به ریشخند می گیرد.

۱۰. در صفحه ۱۰۷، پیکمی که از طرف لُرد استنلی آمده و با هستینگز صحبت می‌کند، می‌گوید: «و بعد به شما پیام می‌فرستند که امشب خواب دید گرازش کلاه‌خودش را خراش داده است.» که ترجمه این عبارت است:

He dreamt the boar had razed off his helm

در ترجمه کوثری چنین آمده: «در خواب دیده که گرازی کلاه‌خود از سرش می‌رباید.» فعل razed off که به معنی «کاملاً خرد کردن و نابود کردن» است، (به‌نحوی که باعث کشته شدن ریچارد می‌شود) در این دو ترجمه به «خراش دادن» و «ربودن» ترجمه شده است. همچنین the boar (گراز) به «گرازش» و «گرازی» تبدیل شده که علت آن هم معلوم نیست.

۱۱. در آخرین پاراگراف صفحه ۱۲۵، مترجم عبارت go after را «بعداً برو» ترجمه کرده است! متن اصلی این است:

Go after, after, Cousin Buckingham
The Mayor towards Guildham hies him in all post.

ترجمه براهنی: پسر عمو باکینگهم، بعداً برو، بعداً برو. شهردار با شتاب تمام به‌سوی گیلدهال می‌رود.

فعل go after در انگلیسی phrasal verb است و معنای آن «به دنبالش برو» یا «تعقیبش کن» می‌باشد. مترجم احتمالاً متوجه این نکته نشده و از منطق عبارت هم متوجه خطای خود نشده است. اگر شهردار با شتاب به سوی گیلدهال می‌رود، چرا ریچارد باید از باکینگهم بخواهد که بعداً برود درحالی‌که شهردار در شتاب است!

۱۲. در مواردی بخشی از متن اصلی در ترجمه حذف شده است، از جمله در عبارت زیر جمله «امروز روز ما است»، در ترجمه نیامده:

God and your arms be praised victorious friends!
The day is ours; the bloody dog is dead

دوستان پیروزمند، سپاس خدای را و بازوان شما را که پیروز شدیم. سگ خونخوار مرد.

۱۳. به ترجمه عبارت زیر توجه کنید:

Let them not live to taste this land's increase
That would with treason wound this fair land's peace!

خداوند مهربان نگذار آنهایی که با خیانت، صلح این سرزمین خجسته را جریحه‌دار می‌کنند، زنده باشند تا از فراوانی و برکت این سرزمین تمتعی ببرند.

در ترجمه فوق، ترکیب «جریحه‌دار کردن صلح» به نظر می‌رسد تحت تأثیر فعل wound باشد. کوثری از تعبیری کاملاً ادبی و تاحدی آرکائیک استفاده کرده است:

ترجمه کوثری: به آن خائنانی که آرامش و صلح را برکنده می‌خواهند
چندان امان مده که از برکات این خجسته خاک بهره گیرند.

خطاهایی که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد بیشتر ناشی از درک نادرست متن اصلی است و این نکته را باید افزود که در آن زمان شاید تفسیرهای لغوی از ریچارد سوم وجود نداشته یا در اختیار مترجم نبوده است. این ترجمه جدا از خطاهایی که مواردی از آنها ذکر شد، در انتخاب تعبیرات گاه درخشندگی‌هایی دارد. به دو نمونه به اختصار اشاره می‌کنم: مورد اول ترجمه car در توصیف زیر است:

The weary sun hath made a golden set,
And by the bright track of his fiery car
Gives signal, of a goodly day to-morrow.

خورشید خسته غروب‌ی طلایی کرده، و مسیر تابناک ارابه آتیشش، نشانه آن است که فردا روزی خوش خواهد بود.

یا مثلاً در ترجمه عبارت And flaky darkness breaks within the east به «... تیرگی پولک‌سان، اینک در شرق شکافته می‌شود.» مترجم معادل‌های خوبی برای flaky، break و darkness انتخاب کرده است.